




Access to Electricity as a Universal Human Right: A Study of the European Union's Novel Approach

Amirsaed Vakil¹ | Zahra Nafari² | Alireza Delavar³  | Saleh Gholam Heidari⁴

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: yakil.a@ut.ac.ir
2. Master's student in oil and gas law, Alborz campus of Tehran University, Karaj, Iran.
Email: Zahraaanafari@ut.ac.ir
3. Corresponding Author; Master's student in oil and gas law, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: alirezadelavar@ut.ac.ir
4. Master's student in Human Rights, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Salehheidari77@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 205-232</p> <hr/> <p>Received: 2024/08/03 Accepted: 2024/11/20 Published online: 2024/12/10</p> <hr/> <p>Keywords: <i>European Union, Human Rights, Electricity Access, Power Outages, Sustainable Development.</i></p>	<p>Access to electricity in the contemporary world is of such critical importance that it underpins activities ranging from everyday conveniences, such as mobile phone use, to essential medical services. Nevertheless, international legal instruments have only sporadically addressed access to electricity, either implicitly or explicitly, raising questions about its recognition as a human right. This study explores various theories on the legal characterization of the right to electricity and seeks to answer whether it qualifies as a recognized human right. Additionally, it examines whether any interruption in electricity supply constitutes a violation of this right and, if so, what other human rights might be affected. Furthermore, the legal framework of the European Union, as one of the most active regulatory entities in this domain, is analyzed. The research also delves into legal interpretations that significantly shape human rights, with a focus on the most relevant interpretations concerning electricity access. The findings reveal that recognizing access to electricity as a human right would not only elevate its importance on an international scale but also compel governments to take concrete steps to ensure universal access to this essential resource. Ultimately, this study emphasizes the critical need for acknowledging electricity access as a fundamental right to advance sustainable development and uphold human rights globally.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Vakil, Amirsaed; Nafari, Zahra; Delavar, Alireza; Gholam Heidari, Saleh (2024). Access to Electricity as a Universal Human Right: A Study of the European Union's Novel Approach. <i>Water and Electricity Law</i>, 1 (1), 205-232.</p>
<p>Publisher</p>	<p>Niroy Research Institute. </p>



حقوق آب و برق

دوره ۵: ۱، شماره ۱
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://ewl.nri.ac.ir>

دسترسی به برق به عنوان حق جهانی بشر با مطالعه رویکرد نوین اتحادیه اروپا

امیرساعتد وکیل^۱ | زهرا نفری^۲ | علیرضا دلاور^۳ | صالح غلام حیدری^۴

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: yakil.a@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز پردیس البرز دانشگاه تهران، کرج، ایران. رایانامه: Zahraaanafari@ut.ac.ir

۳. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: alirezadelavar@ut.ac.ir

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Salehheidarii77@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	دسترسی به برق در دنیای معاصر به حدی حایز اهمیت است که از معمول‌ترین فعالیت‌های روزمره مانند استفاده از تلفن همراه تا ضروری‌ترین امور پزشکی، به آن وابسته است. با این حال، در اسناد بین‌المللی، دسترسی به برق تنها در موارد محدودی و به‌طور ضمنی یا صریح مورد توجه قرار گرفته است که این موضوع موجب تردید در خصوص شناخت آن به‌عنوان یک حق بشری می‌شود. به همین دلیل، پژوهش حاضر به بررسی نظریه‌های مختلف در خصوص ماهیت‌شناسی حق دسترسی به برق پرداخته است و سعی دارد پاسخ دهد که آیا دسترسی به برق به‌عنوان یک حق بشری شناخته می‌شود یا خیر. همچنین، در این تحقیق بررسی می‌شود که آیا هر قطع برقی نقض حق بشری محسوب می‌شود یا خیر، و در صورت نقض این حق، کدام حقوق دیگر ممکن است تحت تاثیر قرار گیرند. در این پژوهش، نظام حقوقی اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از قانون‌گذاران فعال در زمینه دسترسی به برق، تحلیل می‌شود. این پژوهش همچنین به تفاسیر حقوقی که بخش مهمی از حقوق بشر را شکل می‌دهند، توجه دارد و در آن، مهم‌ترین این تفاسیر مرتبط با دسترسی به برق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شناسایی دسترسی به برق به‌عنوان یک حق بشری، نه تنها موجب افزایش توجه به این مساله در سطح بین‌المللی می‌شود، بلکه دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا اقدامات عملی را برای تامین دسترسی همگانی به این حق، انجام دهند. در نهایت، این تحقیق به اهمیت شناسایی دسترسی به برق به‌عنوان یک حق بنیادین در راستای ارتقای توسعه پایدار و حفظ حقوق بشر در سطح جهانی می‌پردازد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰	
کلیدواژه‌ها: <i>اتحادیه اروپا، حقوق بشر، دسترسی به برق، قطع برق، توسعه پایدار.</i>	
استناد	وکیل، امیرساعتد؛ نفری، زهرا؛ دلاور، علیرضا؛ غلام حیدری، صالح (۱۴۰۳). دسترسی به برق به‌عنوان حق جهانی بشر با مطالعه رویکرد نوین اتحادیه اروپا. <i>حقوق آب و برق</i> ، ۱ (۱)، ۲۰۵-۲۳۲.
ناشر	پژوهشگاه نیرو.



۱. مقدمه

انسان امروز در جهانی زندگی می‌کند که دسترسی بی وقفه، باکیفیت بالا، مقرون به صرفه و کافی به انرژی و خدمات آن، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک نیاز اساسی برای بقا و پیشرفت است. برق یکی از اساسی‌ترین انرژی‌های مورد نیاز بشر است. در مقایسه با منابع مستقیم انرژی مانند زغال سنگ یا گاز طبیعی، برق یک حامل انرژی محسوب می‌گردد که مزایای مهمی در استفاده از آن وجود دارد و کاربردهای بسیار متنوعی دارد. این انرژی، خواه حاصل سوزاندن انرژی‌های فسیلی باشد یا از طریق توربین‌های بادی تولید شود، باعث روشنایی محیط زندگی می‌باشد و ابزار لازم برای استفاده از فناوری‌های جهان امروز اعم از رایانه و تلفن همراه است. بسیاری از سیستم‌های گرمایش مدرن برای گرمایش کارآمد و سازگار با محیط زیست به برق متکی هستند. بخاری‌های تابشی مادون قرمز، بخاری‌های همرفتی، و پمپ‌های حرارتی، نمونه‌های پرکاربردی در دنیای امروز هستند که بدون برق کار نمی‌کنند. همچنین، وسایل نقلیه الکتریکی^۱ در حال افزایش محبوبیت هستند و به حمل و نقل با میزان آلودگی کمتر کمک می‌کنند. قطارها، ترامواها، و اتوبوس‌های برقی نیز برای تحرک کارآمد به برق متکی هستند. فراتر از این، اقتصاد جهان در سطح کلان و خرد، به شدت به برق وابسته است. در سطح کلان، اصولاً فرایندهای صنعتی مدرن برای حفظ سطح تولید، نیاز به تامین پایدار انرژی دارند. در سطح خرد نیز، در خانه هر فرد، امروزه برق نقش بسیار حیاتی‌ای را بازی می‌کند و بسیاری از وسایل خانه با برق کار می‌کنند از یخچال گرفته تا جارو برقی. انرژی برق همچنین در خدمات پزشکی نظیر جراحی‌های مختلف، خدمات آموزشی، و تهیه غذا برای انسان نقش حیاتی ایفا می‌کند. پژوهشگرانی نظیر استفان تولی^۲ و اولاسپو اوویز^۳ در حوزه دسترسی به برق مقالاتی دارند و معتقدند: «دسترسی به برق یک منبع کلیدی برای ارتقای سطح زندگی و تامین نیازهای بشر است» (Löfquist, 2020). پس منطقی به نظر می‌رسد که جهان امروز به دنبال راه‌هایی برای محافظت و ارتقای دسترسی ایمن به برق باشد (Niu, Jia et al. 2013).

دسترسی به برق در جهان امروز ذیل عناوین مختلف مانند توسعه پایدار یا عدم تبعیض به صورت ضمنی در اسناد مختلف و نیز در سند بین‌المللی که با موضوع رفع تبعیض علیه زنان تصویب گشته به صورت صریح به آن اشاره شده است (Tully, 2006). گزارشگر ویژه سازمان ملل با ماموریت نظارت بر تحقق حق مسکن مناسب در گزارش خود بیان می‌کند: «حق مسکن شامل دسترسی به خدمات ضروری مدنی مانند برق است» (Tully, 2006). با وجود تمام این موارد، جنبه تاریکی از دسترسی به برق وجود دارد. آخرین گزارش «پیگیری اهداف توسعه پایدار ۷: گزارش پیشرفت انرژی ۲۰۲۴» که

1. Electric vehicles (EVs)
2. Stephen Tully
3. Olasupo Owoeye's

توسط آژانس بین‌المللی انرژی^۱، آژانس انرژی‌های تجدیدپذیر^۲، قسمت آمار سازمان ملل^۳، بانک جهانی^۴، و سازمان بهداشت جهانی^۵ منتشر شده، پیشرفت‌های بین‌المللی در راستای اهداف توسعه پایدار ۶۷ را بررسی کرده و بخشی از این گزارش را به حق دسترسی به برق اختصاص داده است. طبق این گزارش، تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت جهان به برق دسترسی داشته‌اند، اما همچنان بیش از ۶۵۰ میلیون نفر فاقد دسترسی به آن بوده‌اند. پیشرفت‌های کنونی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۷ تا سال ۲۰۳۰ کافی نیست و مشکلاتی نظیر افزایش هزینه‌های انرژی و چالش‌های اقتصادی بر آن تاثیرگذار هستند (THE ENERGY PROGRESS REPORT, 2024). لذا گزارش مزبور بر لزوم گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و تامین مالی بیشتر طرح‌های انرژی پاک در کشورهای در حال توسعه تاکید دارد (THE ENERGY PROGRESS REPORT, 2024). تارنمای رسمی سازمان ملل نیز در تعریف حقوق بشر بیان می‌کند: «حقوق بشر حقوق ذاتی همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن نژاد، جنس، ملیت، قومیت، زبان، مذهب، و یا هر موقعیت دیگری است. حقوق بشر شامل حق زندگی و آزادی، آزادی از بردگی و شکنجه، آزادی عقیده و بیان، حق کار و تحصیل، و بسیاری موارد دیگر است. همه افراد بدون تبعیض مستحق این حقوق هستند». همچنین حقوق بشر برای بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی، نه تنها به مراقبت‌های بهداشتی، بلکه به عوامل زیربنایی سلامت از جمله شرایط محیطی و شغلی سالم نیز گسترش می‌یابد (Tully, 2006). این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد

1. The International Energy Agency (IEA)
 2. The International Renewable Energy Agency (IRENA)
 3. The United Nations Statistics Division (UNSD)
 4. The World Bank
 5. The World Health Organization (WHO)
- ۶ اهداف توسعه پایدار ۷ (SDG 7) به دنبال تضمین دسترسی جهانی به انرژی مقرون به‌صرفه، پایدار، و مدرن تا سال ۲۰۳۰ است. این اهداف با موافقت بیش از ۱۹۰ کشور در سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید که شامل سه بخش اصلی است: «دسترسی جهانی به خدمات انرژی»، «افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در ترکیب جهانی انرژی»، و «دو برابر کردن نرخ بهبود بهره‌وری انرژی». لازم به ذکر است که با وجود کاهش تعداد افرادی که از برق محروم هستند (از ۱٫۱۴ میلیارد نفر در ۲۰۱۰ به ۶۷۵ میلیون نفر در ۲۰۲۱)، همچنان مشکلاتی در دسترسی به انرژی در مناطق خاصی مانند آفریقا وجود دارد. علاوه بر این، بیش از دو میلیارد نفر در سال ۲۰۲۱ به سوخت‌های پاک برای پخت‌وپز دسترسی نداشتند که این موضوع موجب مرگ سالانه میلیون‌ها نفر به دلیل استنشاق دود پخت‌وپز می‌شود. لذا اقدامات فوری برای رسیدن به اهداف تا سال ۲۰۳۰ ضروری است. برای مطالعه بیشتر راجع به این اهداف مراجعه شود به: <https://sdgs.un.org/goals/goal7>, last visited on 18 November 2024. Sustainable Development Goal 7 (SDG7), <https://www.seforall.org/our-work/sustainable-development-goal-7-sdg7>, last visited on 18 November 2024.

بین‌المللی مختلف، سعی بر این دارد که به این پرسش پاسخ دهد که دسترسی به برق در حقوق بشر در چه جایگاهی قرار دارد و آیا به عنوان یک حق بشری مستقل شناخته می‌شود؟ برای پاسخ به سوال پژوهش، ابتدا به ماهیت شناسی حق دسترسی به برق پرداخته می‌شود و پس از آن به این مساله پرداخته می‌شود که صرف قطعی برق برای نقض یک حق بشری کافی است یا خیر؟ و در صورت نقض حق دسترسی به برق، چه حقوق بشری دیگری تحت تاثیر قرار می‌گیرند. سپس به نظام حقوقی اتحادیه اروپا اشاره می‌شود که حق دسترسی به برق را در اسناد خود مورد توجه قرار داده است. در واقع، بررسی این نظام حقوقی می‌تواند مخاطب را با یک نمونه از نظام حقوقی‌ای که به موضوع انرژی توجه کرده است، آشنا کند؛ و پیامدهای وجود چنین نظام حقوقی را تحلیل نماید. تفاسیر عمومی در حقوق بشر بسیار اهمیت دارند. به همین دلیل، تفاسیر عمومی مرتبط با حق دسترسی به برق نیز زیر ذره‌بین پژوهش قرار گرفته است. در انتها، نتایج و تحلیل برآمده از پژوهش، ارایه خواهد شد.

۲. ماهیت‌شناسی حق دسترسی به برق

در هیچ اعلامیه یا قطعنامه‌ای به‌طور صریح به این که دسترسی به برق یک حق جهانی برای بشر محسوب می‌شود، اشاره نشده است (Bradbrook and Gardam, 2006) و فقط در یک سند بین‌المللی که با نام کنوانسیون بین‌المللی عدم تبعیض علیه زنان^۱ که در سال ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت، به حق دسترسی به برق صریحا اشاره شده است (Owoeye, 2016). این کنوانسیون تصریح می‌کند که زنان باید از شرایط مناسب برای زندگی، از جمله دسترسی به آب و برق برخوردار باشند (Owoeye, 2016). با این حال، این کنوانسیون به طور خاص به زنان اشاره می‌کند و نمی‌تواند سند محکمی برای اثبات این که دسترسی به برق یک حق جهانی است، باشد. از دیدگاه حقوقی به نظر می‌رسد که دسترسی به برق هنوز در مراحل ابتدایی رشدونمو خود به‌عنوان یک حق بشری است. از طرفی شناخته شدن حق دسترسی به برق در کنوانسیون بین‌المللی عدم تبعیض علیه زنان اثبات می‌کند که می‌توان درباره‌ی دسترسی به برق به عنوان یک حق قانونی سخن گفت. اما برای بررسی بهتر این موضوع نیاز است ابتدا واژه حق تعریف شود و سپس به ماهیت‌شناسی حق دسترسی به برق پرداخته شود. «حق یعنی امتیاز، سلطه و قدرتی که به موجب قانون یا دیگر قواعد حقوقی جانشین (عرف، رویه قضایی و ...) به شخص حقیقی یا حقوقی داده شده است و دیگران ملزم به رعایت آن هستند، مثل حق مالکیت، حق انتخاب کردن، و مشارکت سیاسی» (دانش پژوه، ۱۳۹۲). برق به‌خودی‌خود می‌تواند به عنوان یک حق برای گذران زندگی تلقی شود. روشن است که بخشی از حقوق برای گذران زندگی، اساسی

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women 1979 (CEDAW)

هستند. حقوق اساسی و بنیادین به حقوقی گفته می‌شود که سایر حقوق به آن‌ها وابسته است و نمی‌توان آن را فدای سایر حقوق کرد (Shue, 1980). از جمله این حقوق می‌توان به حق دسترسی به آب و هوای سالم، سرپناه مناسب، پوشاک کافی، و دسترسی به موارد بهداشتی متناسب اشاره کرد (Shue, 1980). حق دسترسی به برق به صراحت جزو این حقوق ذکر نگردیده است. ظاهراً ارتباط نزدیکی میان حق بر گذران زندگی و نیازهای زیستی (بیولوژیک) برای بقای انسان‌ها وجود دارد. برای فهم بیشتر این قضیه می‌توان حق بر آب و حق بر برق را با هم مقایسه کرد (Owoeye, 2016). حق بر برق را می‌توان قربانی سایر حقوق کرد و اصولاً برق برای ادامه زندگی انسان حیاتی نیست. می‌توان در خانه بدون برق زندگی کرد، اما در خانه بدون آب خیر. با این حال تمرکز بر حقوق زیستی انسان بسیار سخت‌گیرانه است؛ زیرا حقوقی که امروزه به عنوان حق بشری در نظر گرفته شده، همچون آزادی بیان، جزو حقوق بنیادین مورد نیاز انسان نیستند، ولی به همان اندازه مهم و حیاتی هستند و دسترسی به آن، نشان از حضور یک دولت مناسب و کارآمد دارد. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد که درست است که برق جزو حقوق بنیادین انسان نیست، اما دسترسی به برق باید به‌عنوان یک حق شناخته شود، زیرا زندگی انسان با استفاده از آن آسان‌تر می‌شود، حتی اگر برای بقا ضروری نباشد (Acuña Zepeda & Díaz Zepeda, 2017).

پس از این که اثبات شد دسترسی به برق می‌تواند به عنوان یک حق شناخته شود، در این بخش از نوشتار ماهیت‌شناسی حق دسترسی به برق مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای فهم بهتر ماهیت‌شناسی حق دسترسی به برق، این حق در ذیل سه نوع حق قراردادی، مشتق، و حق جهانی بشر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در صورت در نظر گرفتن دسترسی به برق به‌عنوان یک حق قراردادی^۱، این حق در پایین‌ترین سطح از حیث الزام‌آوری و حمایت قانونی قرار می‌گیرد. حق قراردادی به معنی حقی است که وابسته به روابط خاص بین انسان‌ها است. مهم‌ترین مثال در این مورد می‌تواند حق شهروندی باشد (حقی که انسان‌ها به عنوان عضوی از یک جامعه دارند). در صورتی که حق دسترسی به برق به عنوان یک حق قراردادی شناخته شود، یک فرد زمانی می‌تواند ادعای حق دسترسی به برق کند که این حق توسط آن جامعه شناسایی شده باشد. تفکر غالب به این صورت است که مقرراتی که یک جامعه را رهبری می‌کند، باید بر اساس توافق بین اعضای همان جامعه باشد (Taylor and Francis 2002). فرض دیگر این است که افراد خارج از قرارداد، حق دسترسی به حقوق قراردادی را تا زمانی که به عنوان یکی از طرفین قرارداد شناخته نشوند، ندارند. البته در صورت اثبات حسن نیت طرفین غیرقراردادی، طرفین قرارداد می‌توانند با توافق، بندهای قراردادی را بر آن‌ها جاری کنند (Rawls, 1971). به عبارت دیگر، حقوق قراردادی شامل تعهدات و وعده‌هایی است که به‌صورت صریح در یک قرارداد به طرفین اعطا شده و از حیث قانونی،

الزام آور هستند. این حقوق با هدف تضمین شفافیت و حمایت از منافع طرفین تنظیم می‌شوند و ممکن است با توجه به اهمیت‌شان از سطح بالاتری از حمایت قانونی برخوردار باشند. اغلب قراردادهای متضمن تعهدات طرفین و راهکارهای پیش‌بینی شده برای جبران خسارت ناشی از نقض مفاد قرارداد هستند. دادگاه‌ها نیز در رسیدگی به اختلافات، عموماً به مفاد مندرج در قرارداد و راه‌حل‌های توافق‌شده احترام می‌گذارند (The oboloo Team, 2022). اگرچه در هنگام توجه به نیازهای بنیادین بشر، برق کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، اما هیچ مانعی وجود ندارد که طرفین یک قرارداد، دسترسی به برق را به‌عنوان کالای ضروری برای تامین نیازهای اساسی زندگی انسان‌ها به رسمیت بشناسند. اگرچه درست است که برق به‌طور مستقیم برای بقای انسان‌ها ضروری نیست، اما در دنیای امروزی، نقشی حیاتی در تسهیل بسیاری از جنبه‌های زندگی ایفا می‌کند (Löfquist, 2020). همچنین، اساسی بودن یک نیاز تا حد زیادی به انتظارات طرفین قرارداد بستگی دارد، پس دسترسی گروهی از شهروندان به برق، این انتظار را در بقیه شهروندان نیز به وجود می‌آورد که می‌خواهند به برق دسترسی داشته باشند (Löfquist, 2020).

بنابراین، با تفسیر حقوق قراردادی، می‌توان ادعا کرد که طرفین قرارداد باید حق خریداری برق در بازار آزاد را داشته باشند. این حق دسترسی مشروط به عواملی از جمله توانایی پرداخت هزینه‌ی آن است. بحثی که در خصوص رویکرد بازار آزاد وجود دارد، به این سمت می‌رود که برق باید مانند هر کالای دیگری در بازار، متناسب با عرضه و تقاضا توزیع شود. شناسایی دسترسی به برق به عنوان یک حق قراردادی می‌تواند در استفاده از این ابزار تأثیرات ویژه‌ای داشته باشد. مثلاً در شرایط افزایش تقاضا، افزایش قیمت نیز اتفاق بیفتد (Rochlin, 2002). البته اگر موانع ورود به بازار کم باشد، مثلاً هیچ انحصاری در بازار نباشد، تولیدکنندگان می‌توانند به نیازهای مصرف‌کنندگان خیلی سریع‌تر پاسخ بدهند که این موضوع باعث تعدیل قیمت برق در بازارهای آزاد خواهد شد (Rochlin, 2002). با این وجود، حق داشتن بر چیزی، به معنی دسترسی داشتن بر چیزی است، مثل حق دسترسی به غذا (Shue, 1980). اما در رویکردهای اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، دسترسی داشتن به کالاها مساله اساسی نیست؛ بلکه موضوع حق در این‌جا توان استفاده از آن چیزی است که بازار فراهم می‌کند. البته این پیچیدگی در موضوع حق نمی‌تواند این ادعا را که برق می‌تواند یک حق قراردادی باشد، زیر سوال ببرد (Löfquist, 2020).

به‌رغم تفسیر حقوقی دسترسی به برق به‌عنوان یک حق قراردادی و با توجه به توضیحات فوق، این نظریه دارای ایرادات اساسی است. این ایرادات مواردی هستند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد. ایراد اول و اساسی آن است که برخی افراد ممکن است از دسترسی به برق محروم باشند، چرا که یا طرف قرارداد نبوده‌اند یا توان مالی کافی برای تامین هزینه‌های آن را ندارند (Rawls, 1999). مساله دیگر، نقش مهم انرژی اعم از برق در توسعه پایدار جهان است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، نقش انرژی در توسعه پایدار، از حالت حاشیه‌ای به عنصری تأثیرگذار تبدیل گشت و هم‌زمان، دسترسی جهانی برای یکایک

افراد، ضرورت پیدا کرد (سواد کوهی فر، ۱۳۹۱). در صورتی که حق دسترسی به انرژی اعم از برق به عنوان یک حق قراردادی شناخته شود، مسیر برای سوءاستفاده بعضی از سودجویان هموار می‌گردد و جهان در مسیر رسیدن به توسعه پایدار ناکام می‌ماند. از طرف دیگر اتخاذ رویکرد صرفاً اقتصادی و دولت‌محور برای جایگاه انرژی در فرایندهای توسعه نیز نمی‌تواند مشکلات توسعه‌نیافتگی را در بلندمدت حل کند. این رویکرد نه تنها به کاهش توسعه‌نیافتگی و فقر نیانجامیده است، بلکه چالش‌های زیست‌محیطی را نیز تشدید کرده است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷). امروزه بیش از ۶۵۰ میلیون نفر از مردم جهان به‌طور کلی به برق دسترسی ندارند و بخش عظیمی از جامعه جهانی دسترسی کافی و قابل قبولی به این انرژی حیاتی ندارند. به‌علاوه، بسیاری از جوامع ادعای دسترسی تمامی شهروندان خود به انرژی برق را دارند، در حالی که این دسترسی غالباً مقطعی و ناپایدار است (Owoeye, 2016). پس باید این موضوع مطرح شود که افراد نه به عنوان عضوی از یک جامعه محلی، بلکه به عنوان عضوی از جامعه جهانی بشریت، نیاز به حق دسترسی به برق دارند.

نظریه دیگری که در خصوص ماهیت شناسی حق دسترسی به برق مطرح است، نظریه‌ای است که این حق را به‌عنوان یک حق مشتق^۱ می‌داند. برای فهم بهتر این بخش ابتدا لازم است مفهوم حق مشتق تبیین شود. «حق مشتق به حقوق و امتیازاتی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم و از طریق حقوق بنیادین به‌وجود می‌آیند» (Kuosmanen, 2015). به معنای ساده‌تر، حقوق مشتق آن دسته از حقوقی هستند که از حقوق بنیادین زندگی بشر سرچشمه و نشأت می‌گیرند. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، حقوق بنیادین اصولاً برای سهولت و ارتقای سطح زندگی انسان ضروری هستند، مانند حق مسکن (Kuosmanen, 2015). اساساً، حق مشتق بیشتر در حقوق بین‌الملل و نیز حقوق اتحادیه اروپا مطرح است.^۲ با یک مثال ساده، به‌طور واضح، ارتباط حق مشتق با دسترسی به برق آشکار می‌گردد: انسان‌ها حق در دسترس داشتن شرایط مناسب برای یک زندگی مناسب را دارند و برق، دسترسی به چنین شرایطی را بسیار آسان می‌کند. برخی از حقوق‌دانان چنین ادعا می‌کنند که دلیل حق شناخته شدن انرژی برق این است که از حقوق بنیادین دیگری هم‌چون حق مسکن مشتق شده است (Bradbrook and Gardam, 2006). مزیت چنین ادعایی در این است که در جامعه‌ای که حق مسکن به عنوان یک حق بشری شناخته شده، حق دسترسی به برق نیز در آن جامعه به عنوان یک حق بشری محسوب می‌گردد.

1. Derivative Right

۲. یک مثال شناخته‌شده در زمینه حقوق مشتق اتحادیه اروپا به مقرر ۱۶ مقررات مهاجرت مربوط می‌شود. طبق این مقرر، افرادی که از طریق روابط خانوادگی با یک شهروند اتحادیه اروپا که حق اقامت دارد، در ارتباط هستند، ممکن است واجد شرایط دریافت حق اقامت مشتق شوند. برای مطالعه متن مقرر مراجعه شود به:

The Immigration (European Economic Area) Regulations 2016, Accessed in: <https://www.legislation.gov.uk/ukxi/2016/1052>, last visited on 20 November 2024.

ادعای مشابه را می‌توان از رویکرد سازمان ملل در خصوص مسایل انرژی در سند مصوب کنفرانس سازمان ملل یعنی اعلامیه ریو ۲۰۰۳ که به عنوان یک قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، دریافت. نام این سند «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»^۱ است و این سند غیرالزام‌آور، ضمن تاکید بر تعهد جهانی به توسعه پایدار، به طور جامع به مسایل اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی پرداخته و بر ضرورت ایجاد «اقتصاد سبز» به عنوان راهکاری برای تحقق آینده‌ای پایدار تاکید دارد. علاوه بر این، در سند مزبور، اهمیت توجه به اهداف توسعه پایدار به عنوان ابزاری برای مدیریت بهتر منابع و رفع چالش‌های جهانی، به ویژه در راستای کاهش فقر و تامین دسترسی عادلانه به منابع، برجسته شده است.^۲ در ماده ۱۲۵ این سند به طور واضح بر حق دسترسی به انرژی برای سهولت حق حیات، حق برخورداری از امکانات سلامت، حق امنیت اجتماعی، حق بالاترین استانداردهای زندگی اجتماعی، و نیز حق توسعه تاکید می‌کند (Owoeye, 2016). در واقع، این ماده بر اهمیت انرژی به عنوان یک حق مشتق توجه کرده است (Sin-hang Nga, 2012). اولین مشکل این رویکرد، اشتباه در تعریف یک جنبه کلیدی از حق مشتق است. این که حق مسکن به طور خودکار شامل دسترسی به برق نیز می‌شود، نادرست است. انسان قادر است تا حدودی زندگی شایسته‌ای را حتی بدون دسترسی به برق سپری کند. هرچند که این ادعا به طور کامل اشتباه نیست، اما قبول این که دسترسی به برق برای تامین زندگی مناسب ضروری است، هم‌چنان دشوار به نظر می‌رسد (Löfquist, 2020). می‌توان از حقوق بنیادین زندگی بشر تعاریفی ارائه کرد که حق دسترسی به برق در آن نگنجد. اما در یک نظر دیگر که در عصر امروز منطقی‌تر به نظر می‌آید، دسترسی به برق در تعریف مدرن یک زندگی شایسته، به عنوان یکی از نیازهای اساسی در نظر گرفته می‌شود و ارتباطی مستقیمی با ارتقای سطح زندگی بشر دارد (Donnelly, 2013).

بر این اساس، اولین مساله در شناسایی حق دسترسی به برق به عنوان یک حق مشتق، به این موضوع برمی‌گردد که این نوع حق به عواملی وابسته است که ممکن است برای برخی افراد غیرمنصفانه به نظر برسد. به عنوان مثال، ممکن است پرسیده شود چرا استانداردهای زندگی در یک کشور با کشور دیگر تفاوت دارد (Löfquist, 2020). پاسخ به این سوال تا حدود زیادی به چگونگی تفسیر آن حق از منظر جهانی، بستگی دارد. گاهی حق بر چیزی در کل جهان شناسایی می‌شود، اما مسیر بسیار طولانی برای تفسیر و اعمال این حق وجود دارد. به عنوان نمونه، در خصوص مفهوم حقوق بشر در جهان یک اجماع کلی بین حقوق دانان وجود دارد، اما در خصوص چگونگی تفسیر و اعمال آن اختلاف نظرهایی

1. The future we want

۲. برای مطالعه کامل این سند مراجعه شود به:

United Nations General Assembly (2012), *The future we want* (A/RES/66/288). United Nations. <https://undocs.org/A/RES/66/288>

است (Donnelly, 2013). مثلا در حق بر کار توافق شده است، اما آیا همه افراد باید شغل مجزای خودشان را داشته باشند و در صورت نداشتن شغل باید غرامت بیکاری دریافت کنند؟ ممکن است در این موضوع تفاسیر متعددی ارایه شود و برخی از آن‌ها به یک اندازه منطقی باشند (Donnelly, 2013).

دومین مساله در شناسایی حق دسترسی به برق به عنوان یک حق مشتق، پیامدهای جهانی زمینه‌سازی دسترسی به برق است. این که آیا نیاز است همه مردم به برق دسترسی داشته باشند؟ پاسخ این سوال در رویکرد اخلاقی‌ای به نام رویکرد قابلیت‌ها می‌باشد. مساله اصلی در رویکرد مذکور این است که افراد چگونه می‌توانند فرصت‌ها و آزادی‌های فردی خود را در زندگی شناسایی کنند (Nussbaum, 2011). براساس این رویکرد، هر انسان باید بتواند زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد و حداقل استانداردهای زندگی شایسته انسانی را در اختیار داشته باشد (Nussbaum, 2011). این موضوع کاملا شفاف است که انرژی برق نقش فوق‌العاده‌ای در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند و باعث ارتقای سطح زندگی بشر می‌شود. انسان‌ها در طول روز برای کار و فعالیت‌های مرتبط با آن و نیز برای گذران اوقات فراغت به این انرژی نیاز دارند. حتی در مواردی، برق برای بهبود کیفیت زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، و فرصت‌های معیشتی ضروری است و می‌تواند به افزایش درآمد خانوارها و حمایت از بخش‌های مختلف مانند بهداشت و آموزش کمک کند (Banerjee, 2024). بنا بر آن چه گفته شد، برای تسهیل زندگی و فراهم کردن مقدمات یک زندگی معقول در عصر امروز، دسترسی به برق را نمی‌توان به عنوان یک حق مشتق در نظر گرفت؛ چرا که در صورت شناخت آن به عنوان یک حق مشتق، این حق بسیار وابسته به سایر حقوق مانند حق حیات و مسکن می‌شود که در بعضی جوامع به آن توجه کمی شده و حق دسترسی به برق در این موارد به شدت در موضع ضعف قرار می‌گیرد.

اما نظریه آخر، دسترسی به برق را به عنوان یک حق بشری^۱ می‌شناسد. اساسا نظریه حقوق بشر، انسان و حقوق او را مبنا و هدف قرار می‌دهد و بر این مبنا باید حقوق طبیعی انسان را در طبیعت خود انسان و مستقل از هر نوع عقیده و یا تبعیضی جستجو کرد (دبیرنیا، شجاعی، ۱۴۰۰). از این رو، تفاوت بین حق بشری مشتق و حق جهانی بشر مربوط به دامنه یک حق است. هر دو حق این فرض را دارند که برق به خودی خود اهمیت ذاتی ندارد و هدف آن حفاظت از ارزش‌هایی است که بنیادی‌تر هستند، مانند نیازهای زیستی بشر (Donnelly, 2013). در ادامه بررسی می‌گردد که تا چه حد شناختن مساله دسترسی به برق به عنوان حق جهانی بشر، منطقی به نظر می‌رسد.

حقوق اساسی، دامنه ای جهانی دارند. حقوق اساسی شامل درخواستی به بقیه بشریت است که به نحوی رفتار کنند که با احترام به خود سازگار باشد (Shue, 1980). حقوق بشری عبارتند از: «الف)

مجموعه‌ای حداقلی از کالاها، خدمات، فرصت‌ها، و حفاظت‌هایی که امروزه به طور گسترده‌ای به عنوان پیش‌نیازهای اساسی برای زندگی باکرامت شناخته می‌شوند؛ (ب) مجموعه‌ای خاص از رویه‌ها برای تحقق این کالاها، خدمات، فرصت‌ها، و حفاظت‌ها» (Donnelly, 2013). بخشی از هر حق، به آن‌چه برای انسان به عنوان نتیجه و پیامد برمی‌گردد مربوط می‌شود؛ به گونه‌ای که حداقلی از احترام به انسان و یا کرامت او را تضمین کند. احترام به خود، بخش مهمی از فهرست کالاهای اولیه علاوه بر حقوق، آزادی‌ها، درآمد، ثروت، قدرت‌ها، و فرصت‌ها است (Rawls, 1971). هم‌چنین، جلوه دیگر حق این است که زندگی را برای انسان تسهیل نماید. این ایده‌ها به برق نیز بسیار مرتبط هستند؛ بدین شکل که برخی جوامع، مانند اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، موظف هستند سازوکار مورد نیاز شهروندان خود برای دسترسی به برق را فراهم کنند (Löfquist, 2020). دسترسی به انرژی به‌ویژه برق، اگرچه به طور رسمی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به جز یک سند که همان کنوانسیون منع هر نوع رفتار تبعیض‌آمیز علیه زنان است، به عنوان یک حق شناخته نشده است، اما امکان دسترسی به آن می‌تواند به گسترش حقوق بشر در چارچوب اهداف توسعه پایدار کمک کند. لذا انرژی، ارتباط مستقیمی با حقوق بنیادین بشر هم‌چون حق حیات، حق بر توسعه، و حداقل‌های لازم برای زندگی دارد، به گونه‌ای که می‌توان دسترسی به انرژی را یکی از ارکان تحقق حقوق انسانی و بهبود کیفیت زندگی دانست (سواد کوهی فر، ۱۳۹۱). روشن است که شناسایی دسترسی به انرژی به عنوان یک حق بشری، دولت‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی را ملزم می‌سازد تا مسئولیت بیشتری در تامین آن بر عهده گیرند و اقدام‌های ضروری برای تسهیل دسترسی همگانی به انرژی را در اولویت قرار دهند.

۲. پیامدهای حقوق بشری نقض حق دسترسی به برق

در این بخش از نوشتار، ابتدا به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا قطع برق نقض حق بشری است؟ و اگر این چنین باشد، هر قطع برقی نقض حقوق بشری است یا بسته به شرایط می‌توان نتیجه متفاوتی گرفت؟ در بخش دوم نیز به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که قطع برق ناقض کدام یک از حقوق بشری است؟

۱.۲. قطع برق به منزله نقض یک حق بشری

دسترسی به برق در واقع به معنای امکان استفاده از خدمات برق برای تامین نیازهای اساسی افراد و جوامع است؛ از جمله تامین نور، گرما، ارتباطات، بهداشت، و آشپزی. این حق به عنوان بخشی از حقوق مرتبط با

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

حیات مناسب بشری دارای ارزش و به‌عنوان یکی از دارایی‌های زندگی تایید شده است (World Health Organization, 2009). لذا برقراری دسترسی پایدار به برق یکی از عوامل اساسی برای اجرای حقوق بشر، به خصوص در زمینه‌هایی مانند سلامت، توسعه اقتصادی، و آموزش است. بر این اساس، قطع برق می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر شود؛ اما طبق موازین بین‌المللی حقوق بشری، نیاز به تحقق شرایطی است که نشان دهد اقدام دولت یا ارگان‌های آن باعث ضرر یا نقض مستقیم حقوق بشر شده است. بنابراین، بسته به شرایط مختلف، قطع برق ممکن است به عنوان نقض حقوق بشر محسوب شود (Shelley, 2013). مثلاً اگر قطع برق منجر به آسیب‌های جدی به حیات انسانی، سلامت، و یا حقوق اساسی دیگر شود، می‌تواند به‌عنوان یک نقض حقوق بشری محسوب شود (International Committee of the Red Cross, 2005). از طرف دیگر ممکن است در مواردی، قطع برق از جانب دولت به منظور جلوگیری از ضرر بزرگ‌تر در دستور کار قرار بگیرد که در این‌جا طبیعتاً نقض حقوق بشر رخ نداده است (International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies, 2013). به عنوان مثال، اگر قطع برق بر اساس دلایل ایمنی، تعمیرات پیشگیرانه، و یا برای جلوگیری از یک ضرر جانی صورت بگیرد، این رخداد به‌منزله نقض حق بشر برای دسترسی به برق نیست، بلکه در این‌جا دولت به تعهد بین‌المللی دیگر خود یعنی حفاظت از جان اتباع خود عمل کرده است. بنابراین، برای بررسی این موضوع که آیا قطع برق رخ داده در یک بازه می‌تواند نقض حق بشری باشد یا خیر، کاملاً بسته به شرایط حاکم بر آن دوره از تاریخ دارد و نمی‌توان به قطعیت اذعان کرد که هر قطع برقی، نقض حقوق بشری است.

۲.۲. عدم دسترسی به برق زمینه‌ساز نقض چندین حق بشری

عدم دسترسی به برق می‌تواند تأثیرات گسترده و عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی انسانی داشته باشد و نقض چندین حق بشری را به دنبال آورد. حق حیات به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق بشری که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (Article 3 of the Universal Declaration of Human Rights) و چندین سند حقوق بشری دیگر آمده است، اولین حقی است که با عدم دسترسی به برق می‌تواند تحت تأثیر قرار بگیرد و تأثیر آن بیشتر در دو مورد زیر است:

خدمات بهداشتی و درمانی: بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی برای عملکرد صحیح خود به برق نیاز دارند. تجهیزات پزشکی حیاتی مانند دستگاه‌های تنفسی، دستگاه‌های دیالیز، و دیگر تجهیزات حیاتی نیازمند برق هستند. عدم دسترسی به برق می‌تواند به معنای ناتوانی در ارائه مراقبت‌های ضروری و حتی مرگ بیماران باشد.

۱. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند: «هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی، و امنیت فردی است.»

واکسیناسیون و ذخیره سازی داروها: بسیاری از داروها و واکسن‌ها نیاز به نگهداری در شرایط خاص دمایی دارند که بدون برق امکان پذیر نیست. عدم دسترسی به برق می‌تواند منجر به از بین رفتن واکسن‌ها و داروها شود که سلامت عمومی را به خطر می‌اندازد.

حق بهداشت، حق دیگری است که در اسناد مختلف، مواد مختلفی را به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights (UDHR))^۱ به این حق اشاره دارد. عدم دسترسی به برق می‌تواند بر این حق نیز تأثیرات منفی بسیاری بگذارد. قطع دسترسی به برق در یک شهر ممکن است مشکلات عدیده‌ای برای تصفیه‌خانه‌های فاضلاب، سیستم‌های دفع زباله، و دیگر زیرساخت‌های بهداشتی ایجاد کند که نتیجه همه این موارد پایین آمدن سطح بهداشت عمومی آن منطقه می‌باشد.

از یک جنبه دیگر، «آموزش فنی و حرفه‌ای باید در دسترس عموم قرار گیرد و آموزش عالی باید به طور مساوی برای همه بر اساس شایستگی در دسترس باشد. آموزش باید در جهت رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد (Article 26 of the Universal Declaration of Human Rights (UDHR))». مفاد ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان‌دهنده آن است که حق بر آموزش یک حق بشری است که هر انسانی باید به آن دسترسی داشته باشد و نیک می‌دانیم که با عدم دسترسی به برق، حق بر آموزش به سختی ممکن می‌شود. برق برای روشنایی کلاس‌ها، استفاده از رایانه و فناوری‌های دیگر که محققین و دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده می‌کنند، نقشی حیاتی دارد. از طرف دیگر، در دوره‌ای از تاریخ که جهان با مساله همه‌گیری ویروس کرونا مواجه شد، اگر دسترسی به برق برای جهانیان وجود نداشت، عملاً فرایند آموزش نیز غیرممکن می‌شد.

به طور کلی، حق زندگی با استاندارد مناسب به عنوان یک حق جهانی مورد توجه مواد بسیاری از اسناد حقوق بشری قرار گرفته است. مثلاً در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور کلی دو نکته بیان شده است:

(۱) هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسب برای سلامتی و رفاه برخوردار باشد.

(۲) مادر و کودکی مستحق مراقبت و کمک ویژه هستند.

۱. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند: «(۱) هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تامین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تامین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تامین اجتماعی بهره‌مند گردد؛ (۲) دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند».

روشن است که عدم دسترسی به برق، این حق را نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند که در دو محور کلی می‌توان اثرات منفی آن را بیان کرد:

تامین انرژی برای خانه‌ها: برق برای گرمایش، سرمایش، پخت‌وپز، و سایر نیازهای روزانه ضروری است. عدم دسترسی به برق می‌تواند کیفیت زندگی را به شدت کاهش دهد و مردم را با مشکلات جدی مواجه کند.

آسایش و رفاه: استفاده از وسایل برقی مانند یخچال، تهویه مطبوع، و وسایل روشنایی برای آسایش و رفاه زندگی امروزی ضروری است. از این رو، قطع برق می‌تواند رفاه زندگی را به شدت کاهش دهد. در آخر این بخش از نوشتار باید اذعان کرد که تمام این حقوق ذکر شده فقط بخشی از حقوقی هستند که با قطعی برق می‌توانند تاثیر منفی بپذیرند. حقوق دیگری نظیر حق بر امنیت، و یا حق بر توسعه اقتصادی نیز از جمله مواردی هستند که با عدم دسترسی به برق می‌توانند تاثیرات منفی زیادی را تجربه کنند.

۳. ماهیت شناسی حق دسترسی به برق با رویکرد اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا، حق دسترسی به برق را در اسناد خود مورد توجه قرار داده است. از این رو، در این بخش از مقاله، نظام حقوقی اتحادیه اروپا راجع به موضوع حق دسترسی به انرژی به‌ویژه برق، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بند (۵۹) دستورالعمل برق اتحادیه اروپا ۹۴۴/۲۰۱۹ مورخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۹ مقرر می‌دارد: «خدمات انرژی برای محافظت از سطح زندگی شهروندان اتحادیه اروپا ضروری است. دسترسی به گرما، سرما، روشنایی، و انرژی برای برق‌رسانی جهت تضمین استانداردهای زندگی و سلامت شهروندان حیاتی می‌باشد. علاوه بر این، دسترسی به چنین خدماتی، شهروندان اتحادیه اروپا را قادر می‌سازد تا با سهولت بیشتری بتوانند قابلیت‌های خود را بروز داده و شمول زندگی اجتماعی را افزایش دهند».

همان‌طور که گفته شد، دسترسی مستمر، باکیفیت، مقرون‌به‌صرفه، و کافی به خدمات انرژی، از ضروریات انکارناپذیر زندگی انسان‌ها است. اتحادیه اروپا، با تاکید بر حفاظت بیشتر از خانواده‌های آسیب‌پذیر و افرادی که از فقر انرژی رنج می‌برند، و با الزام دولت‌ها به ارائه انواع حمایت‌های لازم، این حق را به رسمیت شناخته است. بسته انرژی پاک^۱ برای همه نه تنها بر تقویت حمایت از خانوارها تاکید دارد، بلکه کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا تعداد خانوارهای دچار فقر انرژی در قلمرو خود را شناسایی، ارزیابی، و گزارش کنند. افزون بر این، کشورهای عضو موظف‌اند تا برنامه‌های مشخص و شفاف خود را

1. The EU clean energy package

برای مقابله با این معضل ارایه دهند.^۱ این ابتکار، با هدف ایجاد دسترسی عادلانه‌تر به انرژی پاک و ارتقای کیفیت زندگی افراد در شرایط آسیب‌پذیر، گامی بلند در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی به شمار می‌رود (Hesselman & others, 2019). تدوین و تصویب بسته انرژی پاک که با حمایت سازمان‌های جامعه مدنی اروپا همراه شد، به منزله به رسمیت شناختن یک حق قانونی الزام‌آور جدید برای همه افراد بود و نقطه آغازی برای تولد مفهوم حق بشر بر انرژی در سراسر جهان تلقی گردید (Tully, 2006). این ابتکار نه تنها به جنبه‌های فنی و زیست‌محیطی انرژی پرداخته است، بلکه بر ابعاد انسانی و حقوقی آن نیز تاکید دارد و به تدریج زمینه‌ساز تعریف انرژی به عنوان یک حق اساسی برای همگان، شده است. بر این اساس، قانون اتحادیه اروپا در حال حاضر حق دسترسی به انرژی از جمله دسترسی به انرژی برق را در چندین سطح به رسمیت شناخته است (Hesselman & others, 2019). در این چارچوب حقوقی، برق باید برای شهروندان به صورت باکیفیت، با قیمت مناسب، شفاف، و بدون تبعیض عرضه شود (Article 27 Electricity Directive 2019/944). لازم به ذکر است که حقوق اجتماعی در اتحادیه اروپا به طور عمده جنبه غیرالزام‌آور دارد. با این حال، جامعه مدنی اتحادیه اروپا اخیراً درخواست صریح و قوی برای به رسمیت شناختن حق دسترسی به انرژی به عنوان یک حق الزام‌آور در قوانین اتحادیه اروپا را ارایه کرده است. وجود چنین حقی منجر به افزایش حمایت از حقوق شهروندان و ایجاد یک حق بشری استاندارد می‌شود که از طریق حمایت قانونی، شهروندان سراسر اتحادیه اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهد (Hesselman & others, 2019). نکته مهم این است که حق دسترسی به انرژی به عنوان یک حق اختصاصی اروپایی، همان‌طور که در یک سند خاص تصریح شده است، می‌تواند به وضوح حمایت حقوقی از شهروندان را فراهم کند و هم‌زمان اطمینان بخشد که این حق به طور یکسان برای شهروندان، دولت‌ها، و ارایه‌دهندگان خدمات انرژی تضمین شده است (Hesselman & others, 2019). در واقع، دیدگاهی که اتحادیه اروپا در زمینه دسترسی به برق در نظر

۱. تا به امروز، دو نسخه از بسته انرژی پاک اتحادیه اروپا منتشر شده است. نسخه اول که در سال ۲۰۱۶ معرفی شد، مجموعه‌ای از پیشنهادهای و دستورالعمل‌های قانونی برای تسریع گذار به انرژی پاک و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در اتحادیه اروپا را شامل می‌شد. این بسته با عنوان «بسته انرژی پاک برای همه اروپایی‌ها» شناخته می‌شود و اصلاحات مهمی را در زمینه‌هایی نظیر انرژی تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی، و حکمرانی انرژی در اتحادیه اروپا به همراه داشت. نسخه دوم، که در سال ۲۰۲۰ تصویب شد، شامل به‌روزرسانی‌هایی برای اهداف اولیه بسته اول بود و هدف‌های جدیدی را برای دستیابی به انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی تا سال ۲۰۳۰ تعیین کرد. یکی از اهداف برجسته این نسخه، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به حداقل ۳۲ درصد از مجموع انرژی مصرفی اتحادیه اروپا تا آن زمان بود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

The EU clean energy package (2020 ed.), Accessed in: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/7fa59d21-c7ff-11eb-a925-01aa75ed71a1>, last visited on 19 November 2024.

گرفته است، دیدگاهی است که به واسطه آن، دسترسی به انرژی را حق هر فرد دانسته و این حق به هر فرد این امکان را می‌دهد که دسترسی به انرژی را در هر سطحی برای بالاتر بردن استانداردهای زندگی شخصی و اجتماعی داشته باشد. از این رو، حق بر انرژی می‌تواند به عنوان یک حق قانونی، بشری، شهروندی، و یا حتی اخلاقی به شمار آید. در واقع، ارتقای دسترسی به انرژی به عنوان یک حق بشری، این امکان را فراهم می‌آورد که دسترسی به انرژی در اولویت‌های اجتماعی قرار گیرد. برای تحقق این هدف، بسیج مستمر منابع عمومی و خصوصی و ایجاد چارچوب‌های نظارتی و مقررات مناسب نیاز است. این اقدامات می‌تواند شامل رویه‌های قضایی و اداری، سازوکارهای حفاظت از مصرف‌کنندگان، و راه‌حلی برای حل و فصل اختلافات، مانند استفاده از بازرسان متخصص در حوزه انرژی باشد (Electricity Directive 2019/944). در حالی که حقوق بشر موجود، مانند حق حیات، کرامت، سلامت، و یا استانداردهای زندگی مناسب، می‌تواند برای درخواست دسترسی بیشتر به خدمات انرژی یا حفاظت بهتر در برابر قطع اتصال مورد استفاده قرار گیرند، شناخت یک حق جدید جداگانه برای انرژی به‌طور مستقیم با شرایط خانوارهای فقیر انرژی و انواع محرومیت‌های انرژی که با آن مواجه می‌شوند، مرتبط است و می‌تواند در بهبود اوضاع آن‌ها تاثیر داشته باشد (Shove and Walker, 2014).

یک رای مهم در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۱ وجود دارد که ارتباط زیادی با حق دسترسی به برق دارد. اشاره به این رای می‌تواند برای درک بهتر جایگاه این حق در اتحادیه اروپا مفید باشد. این رای به اختلاف کمیسیون اروپا^۲ و جمهوری فدرال آلمان مربوط می‌شود^۳. در این پرونده که توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا صادر شد، کمیسیون اروپا از آلمان به دلیل عدم تبعیت از بعضی دستورالعمل‌های

1. The European Court of Justice

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا که در لوکزامبورگ قرار دارد، نظارت بر اعمال صحیح و اجرای قوانین اتحادیه اروپا را بر عهده دارد. این دادگاه از قضات کشورهای عضو تشکیل شده است. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا از طریق نظام «رای مقدماتی» می‌تواند پرونده‌ها را از دادگاه‌های ملی دریافت کرده و تفسیر صحیح قوانین اتحادیه اروپا را ارائه دهد. لازم به توضیح است که رای مقدماتی به فرایندی گفته می‌شود که در آن، دادگاه‌های ملی سوالاتی درباره تفسیر قوانین اتحادیه اروپا را به دیوان دادگستری اتحادیه اروپا ارجاع می‌دهند تا پاسخ رسمی دریافت کنند. کمیسیون اروپا هم‌چنین می‌تواند علیه کشورهای عضو که از تعهدات خود تخلف کرده‌اند، پرونده‌ای به دادگاه عمومی دیوان ارجاع دهد و در موارد خاص، جریمه‌ای برای آن‌ها تعیین کند. به‌علاوه، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز می‌توانند علیه یکدیگر به دادگاه شکایت کنند، هرچند این امر به ندرت اتفاق می‌افتد. افزون بر این، دادگاه قادر است قوانین اتحادیه اروپا را مورد بازبینی قرار دهد تا اطمینان حاصل کند که این قوانین با معاهدات اتحادیه و اصول کلی حقوقی، مطابقت دارند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

What is the European Court of Justice and why does it matter?, accessed in: <https://lawsociety.org.uk/topics/brexit/what-is-the-european-court-of-justice-and-why-does-it-matter>, last visited on 17 November 2024.

2. European Commission

3. C-718/18 European Commission v. Germany (2021)

اتحادیه اروپا^۱ شکایت کرد. یکی از موضوعات اصلی این پرونده، نقض استقلال آژانس شبکه فدرال آلمان^۲ بود و کمیسیون ادعا می‌کرد که آلمان با صدور مقررات جزیی برای هدایت تصمیمات آژانس شبکه فدرال، استقلال این نهاد نظارتی را تحت تاثیر قرار داده است (Burmeister, 2021). در واکنش، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با نظر کمیسیون مزبور موافق بود و اعلام کرد که این اقدام آلمان، نقض اصول استقلال نهادهای نظارتی تحت قانون انرژی اتحادیه اروپا است. این حکم تاکید می‌کند که نهادهای نظارتی ملی در زمینه انرژی باید از نفوذ و فشارهای سیاسی آزاد باشند تا بتوانند تصمیمات خود را به طور خودمختار و بدون دخالت‌های دولتی اتخاذ کنند (Burmeister, 2021). هم‌چنین، دیوان تاکید کرد که اعمال مقررات یا دخالت‌های سیاسی در این فرایند ممکن است به نفع مصرف‌کنندگان نباشد و به‌ویژه در زمینه تعیین تعرفه‌ها و شرایط دسترسی به شبکه‌های انرژی، باید از شفافیت و انصاف برخوردار باشد. این حکم از آن جهت اهمیت دارد که به مساله دسترسی به برق و حقوق مصرف‌کنندگان در اتحادیه اروپا پرداخته است. این رای بر لزوم حفظ استقلال نهادهای نظارتی، به‌ویژه در زمینه تعیین تعرفه‌ها و نظارت بر بازار انرژی، تاکید دارد. از این منظر، استقلال این نهادها امری حیاتی است؛ زیرا عدم استقلال می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف و ناعادلانه شود که به‌طور مستقیم بر دسترسی منصفانه و مقرون‌به‌صرفه مصرف‌کنندگان به انرژی تاثیر می‌گذارد^۳.

رای دیگری نیز وجود دارد که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر^۴ صادر شده است. ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵ تاکید می‌کند که دادگاه اروپایی حقوق بشر، مرجع اصلی رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق تضمین‌شده در این کنوانسیون توسط کشورهای عضو است^۶. در این رای یک طرف،

1. 2009/72/EC and 2009/73/EC

2. The Federal Network Agency

آژانس شبکه فدرال، نهاد نظارتی آلمان برای بازارهای برق، گاز، ارتباطات تلفنی، پست و راه‌آهن است. این آژانس تحت نظر وزارت اقتصاد و اقدامات اقلیمی فدرال فعالیت می‌کند و دفتر مرکزی آن در بن، آلمان قرار دارد.

۳. برای مطالعه متن کامل رای مراجعه شود به:

European Court of Justice (2021, September 2). *European Commission v Federal Republic of Germany* (Case C-718/18). Judgment of the Court (Fourth Chamber). Accessed in: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A62018CJ0718>

4. The European Court of Human Rights (ECtHR)

5. The European Convention on Human Rights

۶. دادگاه اروپایی حقوق بشر و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نهادهای مستقلی هستند که وظایف و حوزه‌های صلاحیتی متفاوتی دارند. با این حال، به دلیل اهمیت رای مورد اشاره و به منظور ترغیب بیشتر مخاطبان به مطالعه آرا در این زمینه، این رای از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ با هدف توسعه اصول دموکراتیک و حمایت از حقوق بشر در اروپا تاسیس شد. این شورا شامل ۴۷ کشور عضو است که تمام قاره اروپا به جز بلاروس و واتیکان را پوشش می‌دهد و بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

انجمن سالمندان اقلیمی سوییس و دیگران قرار داشتند و در طرف دیگر دولت سوییس^۱. در سال ۲۰۱۶، انجمن مذکور شکایتی به وزارت فدرال محیط‌زیست، حمل‌ونقل، انرژی، و ارتباطات سوییس^۲ ارایه کرد. این انجمن از دولت سوییس درخواست کرد تا با تلاش بیشتر، انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد و به اهداف زیست‌محیطی مندرج در قانون اساسی فدرال و تعهدات بین‌المللی، به‌ویژه توافق‌نامه پاریس، پای‌بند باشد. به‌ویژه، انجمن میزان پیش‌بینی‌شده جهت کاهش دی‌اکسید کربن را برای محدود کردن گرمایش جهانی به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد، ناکافی ارزیابی کرد (Bretschler, et al. 2024). در پاسخ، وزارت فدرال محیط‌زیست، حمل‌ونقل، انرژی، و ارتباطات این کشور، این درخواست را رد کرد و استدلال کرد که اجرای آن نیازمند تغییر در سیاست کلی است که صرفاً مربوط به سوییس نمی‌باشد و کاهش انتشار کربن باید در سطح جهانی انجام شود. جواب وزارت فدرال با اعتراض و طرح شکایت انجمن مزبور در دادگاه فدرال اداری سوییس^۳ روبه‌رو شد (Bretschler, et al. 2024). اما این دادگاه نیز ادعاهای آن‌ها را رد کرد و اعلام کرد که افراد مسن به‌طور خاص تحت تاثیر تغییرات اقلیمی قرار نمی‌گیرند. پس از آن، انجمن ادعای خود را در سال ۲۰۱۹، به دادگاه عالی فدرال سوییس^۴ برد و آن دادگاه نیز حکم داد که این انجمن، صلاحیت طرح چنین شکایتی را ندارد؛ زیرا خطر نقض حقوق ادعایی آن‌ها، مانند حق زندگی، تنها در صورتی محقق می‌شود که گرمایش جهانی از ۱٫۵ درجه فراتر رود (Hösli, et al. 2024). در نهایت، این انجمن در پایان سال ۲۰۲۰، شکایت خود را به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع

(ECHR) عمل می‌کند. اتحادیه اروپا (EU) نیز از جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا در سال ۱۹۵۱ شکل گرفت و هدف آن، تقویت روابط اقتصادی میان فرانسه و آلمان برای جلوگیری از جنگ بود. این اتحادیه اکنون بر اساس دو معاهده اصلی اداره می‌شود و منشور حقوق بنیادین آن از سال ۲۰۰۹ به عنوان سندی با ارزش قانونی برابر با معاهدات اجرایی شده است. اما تفاوت دو دادگاه اصلی اروپا را چنین می‌توان تبیین نمود:

- دادگاه اروپایی حقوق بشر زیر نظر شورای اروپا (ECtHR) است و وظیفه نظارت بر رعایت حقوق بشر توسط کشورهای عضو کنوانسیون را بر عهده دارد. احکام این دادگاه الزام‌آور نیست اما باید توسط کشورها در نظر گرفته شود.
 - دیوان دادگستری اتحادیه اروپا زیر نظر اتحادیه اروپا (CJEU) است و مسئول تفسیر قوانین اتحادیه اروپا و حل اختلافات میان کشورهای عضو و نهادهای اتحادیه است. هم‌چنین، احکام این دادگاه برای کشورهای عضو الزام‌آور است.
- به‌طور کلی، شورای اروپا بر حقوق بشر تمرکز دارد، در حالی که اتحادیه اروپا اهداف گسترده‌تری از جمله اقتصاد و سیاست را دنبال می‌کند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Cranmer, F (2017). *The CJEU and the ECtHR: An idiot's guide*. Law & Religion UK. Retrieved from <https://lawandreligionuk.com/2017/02/27/the-cjeu-and-the-ecthr-an-idiots-guide/>

1. The case of Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland
2. The Swiss Federal Department of The Environment, Transport, Energy and Communications (DETEC)
3. The Swiss Federal Administrative Court (SFAC)
4. The Swiss Federal Supreme Court (SFSC)

داد. آن‌ها استدلال کردند که سوییس در انجام تعهدات خود طبق ماده ۲ (حق زندگی)^۱ و ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی)^۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر کوتاهی کرده و حق دسترسی موثر به دادگاه (ماده ۶)^۳ را نیز نقض کرده است؛ زیرا هیچ دادگاه سوییسی به صورت ماهوی به ادعاهای آن‌ها رسیدگی نکرده است (Hösli, et al. 2024). در واکنش، دادگاه مذکور، سوییس را به دلیل کوتاهی در تدوین و اجرای اقدامات کافی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و نقض ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا مسئول دانست و همچنین، نقض ماده ۶ بند ۱ را به دلیل عدم بررسی اساسی شکایات توسط دادگاه‌های سوییسی و نادیده گرفتن شواهد علمی تایید کرد (Hösli, et al. 2024). در نهایت، دادگاه بدون تحمیل اقدامات خاص، ارزیابی و اجرای تدابیر لازم را به مقامات سوییسی واگذار کرد و بر نقش کلیدی دادگاه‌های ملی در دعاوی اقلیمی تاکید نمود (Bretscher, et al. 2024).

این رای از چند جهت اهمیت بسیاری دارد. اولین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که دادگاه اروپایی حقوق بشر در یک رای بی‌سابقه، اقدامات یک دولت را در برابر تغییرات اقلیمی، ناکافی دانسته و تصریح کرده است که دولت سوییس ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا را نقض کرده است. این رای که نقض حق حیات و رفاه بشر در برابر تهدیدات تغییرات اقلیمی را تایید می‌کند، نقطه عطفی در تاسیس استانداردهای جدید برای مسئولیت دولت‌ها در زمینه تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک تهدید جهانی است (Bretscher, et al. 2024). دومین نکته مهم، پیوند این پرونده با مساله حق دسترسی به برق است که در این پژوهش به عنوان موضوع اصلی تلقی می‌گردد. هر دو مساله تغییرات اقلیمی و دسترسی به برق، ابعاد جهانی دارند و دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی موظفند تا از طریق سیاست‌گذاری موثر و اقدامات قانونی، جامعه بشری را در مواجهه با چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و حق دسترسی به انرژی‌های ضروری نظیر برق، تامین کنند. در ادامه به بررسی قوانین و مصوبات داخلی چندین عضو اتحادیه اروپا اشاره می‌شود.

۱. ماده ۲ کنوانسیون به حمایت از حق حیات افراد تاکید دارد و موارد مجاز برای محرومیت از این حق را محدود می‌کند. محرومیت از حق حیات تنها در اجرای حکم دادگاه برای جرایمی که قانون آن را مقرر کرده و در شرایط ضروری مانند دفاع در برابر خشونت غیرقانونی یا جلوگیری از فرار یا بازداشت قانونی مجاز است.

۲. ماده ۸ کنوانسیون، حق احترام به زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه، و مکاتبات افراد را تضمین می‌کند و مداخله دولتی را تنها در شرایط قانونی و ضروری برای امنیت ملی، امنیت عمومی، رفاه اقتصادی، جلوگیری از جرم، حفظ بهداشت و اخلاقیات، یا حفاظت از حقوق و آزادی دیگران مجاز می‌داند.

۳. ماده ۶ کنوانسیون، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی در دادگاهی مستقل و بی‌طرف را تضمین می‌کند و اعلام علنی احکام را الزامی می‌داند؛ مگر در مواردی که به دلایل اخلاقی، امنیت ملی، نظم عمومی، یا حفاظت از حریم خصوصی و عدالت، اعمال محدودیت ضروری باشد. همچنین، هر متهم تا زمان اثبات قانونی جرم، بی‌گناه فرض می‌شود.

۱.۳. حق عرضه عمومی انرژی در کاتالونیا (منطقه خود مختار اسپانیایی)

در کاتالونیا، قانون گذاران، قانون ۲۰۱۵/۲۴ را در رابطه با بحران مسکن و فقر انرژی تصویب کرده‌اند که رویکردی مبتنی بر حقوق بشر را برای حفاظت از دسترسی به مسکن و انرژی پیش می‌برد. این قانون، حق هر فرد را برای دسترسی به نیازمندی‌های اساسی مانند آب، گاز، و برق را تضمین می‌کند. یکی از ویژگی‌های جدید قانون مزبور، اصل احتیاط است که تامین کنندگان را از قطع خدمات اساسی به هر خانوار در شرایط عدم پرداخت، منع می‌کند. این ممنوعیت تنها در صورتی برداشته می‌شود که تامین کننده بتواند گزارشی از خدمات اجتماعی محلی دریافت کند که تایید کند خانوار در وضعیت آسیب‌پذیری قرار ندارد (Hesselman & others, 2019). این قانون با ابتکاری مردمی که بیش از ۵۰,۰۰۰ امضا جمع‌آوری کرد، ایجاد شد و نمونه‌ای از سیاست‌هایی است که توسط شهروندان برای شهروندان، ترویج شده است. طبیعت مبتنی بر حقوق بشر قانون ۲۰۱۵/۲۴ از ارجاعات متعدد آن به قوانین بین المللی و قانون اساسی حقوق بشر، به‌ویژه حق مسکن مناسب، به وضوح مشهود است (Hesselman & others, 2019).

۲.۳. خدمات عمومی و حق بر برق در فرانسه

فرانسه دارای سنت طولانی و قوی در زمینه «خدمات عمومی» است که بر اساس آن، نهادهای عمومی یا خصوصی زیر نظر اشخاص عمومی برای برآورده کردن نیازهای همگانی، فعالیت‌ها و اعمالی انجام می‌دهند (رضائی‌زاده، کاظمی، ۱۳۹۱). این رویکرد در خدمات عمومی در مواجهه با آزادسازی بازارهای انرژی ادامه دارد و منجر به اعمال مقرره‌های قابل توجهی بر شرکت‌های انرژی در بخش خصوصی، و به‌ویژه از طریق کد انرژی فرانسه^۱ شده است (Hesselman & others, 2019).

هم‌زمان با فرایند آزادسازی و برای اطمینان از حفاظت کافی از خانوارها، قانون گذار فرانسوی به‌طور پیوسته بر مبارزه با فقر انرژی^۲ تاکید کرده است. از سال ۲۰۱۵، کد انرژی فرانسه تاکید می‌کند که یکی از اهداف اصلی آن، تضمین «حق دسترسی به انرژی بدون ایجاد فشار مالی بیش از حد بر منابع خانوارها» است. در حال حاضر، سنای فرانسه در حال بررسی لزوم شناسایی قانونی قوی‌تر برای «حق دسترسی به انرژی به‌عنوان یک حق اساسی» است. این بحث‌ها ناشی از تردیدهایی است که درباره کفایت نظام حمایتی فعلی، یعنی نظام کوپن انرژی^۳، مطرح شده‌اند. این نظام که در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان جایگزینی برای تنظیم مستقیم قیمت برق و سیاست‌های ناکافی مربوط به قطع اتصال معرفی شد، هم‌چنان با چالش‌هایی

1. LLEI 24/2015, del 29 de juliol, de mesures urgents per a afrontar l'emergència en l'àmbit de l'habitatge i la pobresa energètica.

2. French Energy Code

3. précarité énergétique

4. Energy Voucher

در تامین حمایت کافی مواجه است (Hesselman & others, 2019). به نظر می‌رسد که پیشنهادهای قانونی مستقیماً از متن ستون حقوق اجتماعی اتحادیه اروپا^۱ الهام گرفته شده است.^۲ در مجموع، همان‌طور که از این بررسی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا برمی‌آید، رویکردهای متنوعی برای شناسایی، تنظیم، و تعریف محتوای حقوق، همراه با حفاظت از منافع شهروندان در دسترسی به تأمینات و نیازمندی‌های اساسی، وجود دارد. در واقع، این گزینه‌ها نشان‌دهنده ظرفیت حقوقی گسترده‌ای است که می‌توان برای تقویت و تضمین عدالت اجتماعی و اقتصادی به کار گرفت.

۴. تفسیرهای عمومی مرتبط با حق دسترسی به برق

هشت نهاد ناظر بر معاهده حقوق بشر سازمان ملل؛ یعنی کمیته حقوق بشر^۳، کمیته ضد شکنجه^۴، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵، کمیته رفع تبعیض علیه زنان^۶، کمیته رفع تبعیض نژادی^۷، کمیته حقوق کودک^۸، کمیته کارگران مهاجر^۹، و کمیته حقوق افراد دارای معلولیت^{۱۰}، به‌طور دوره‌ای اسنادی را منتشر می‌کنند که به‌عنوان نظرات عمومی یا توصیه‌های عمومی^{۱۱} شناخته می‌شوند. این اسناد، رهنمودهایی را برای کشورهای عضو در مورد تفسیر جنبه‌های خاص معاهده حقوق بشر مورد توجه کمیته خاص، ارائه می‌کنند. نظرات عمومی مزبور محتوای حقوق مندرج در معاهده مورد بحث را روشن می‌سازد و گاهی اوقات نیز موارد نقض بالقوه این حقوق را بیان کرده و به کشورهای عضو توصیه می‌کند که چگونه به بهترین شکل به تعهدات خود تحت معاهده حقوق بشر عمل نمایند. در این بخش از پژوهش، مهم‌ترین نظرات عمومی مرتبط با حق دسترسی به برق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴_۱_ تفسیر عمومی شماره ۴ پیرامون حق مسکن^{۱۲}

تفسیر عمومی شماره ۴ (حق مسکن)، صادر شده توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

1. European Pillar of Social Rights
2. Proposal of Law N° 260 on the recognition of an effective right to energy and the fight against energy poverty
3. the Human Rights Committee
4. the Committee against Torture
5. the Committee on Economic, Social and Cultural Rights
6. the Committee on the Elimination of Discrimination against Women
7. the Committee on the Elimination of Racial Discrimination
8. the Committee on the Rights of the Child
9. the Committee on Migrant Workers
10. the Committee on the Rights of Persons with Disabilities
11. General Comments or General Recommendations
12. General comment No. 4: The right to adequate housing (art. 11 (1) of the Covenant), https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24)

(CESCR) در سال ۱۹۹۱، به اهمیت دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های اساسی، از جمله برق، برای تحقق حق مسکن مناسب می‌پردازد. این تفسیر تاکید می‌کند که مسکن مناسب باید شامل امنیت مالکیت، دسترسی به آب و برق، هزینه‌های قابل تحمل، و شرایط سکونتی که سلامت و رفاه ساکنان را تضمین کند، باشد. بنابراین، برق به‌عنوان یکی از اجزای ضروری مسکن مناسب شناخته می‌شود و بدون آن، حق مسکن به‌طور کامل محقق نمی‌گردد.

۲.۴. تفسیر عمومی شماره ۷ پیرامون تخلیه اجباری و حق مسکن^۱

تفسیر عمومی شماره ۷ پیرامون تخلیه اجباری و حق مسکن توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) در سال ۱۹۹۷ صادر شده و همان‌گونه که از عنوانش پیدا است، به موضوع تخلیه اجباری و شرایط آن می‌پردازد. این تفسیر بیان می‌کند که در صورت تخلیه اجباری، دولت‌ها موظفند پناهگاه جایگزین مناسب با دسترسی به خدمات اساسی از جمله برق فراهم کنند. این امر نشان می‌دهد که دسترسی به برق به‌عنوان یک نیاز اساسی در هر نوع مسکن باید تضمین شود و بدون آن، حقوق افراد به‌طور جدی نقض می‌شود.

در مجموع، دو تفسیر عمومی مذکور، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین دسترسی به برق در تحقق حقوق مختلف بشر هستند. در این راستا، دسترسی به برق به‌عنوان یک حق جهانی باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا برق نه تنها برای تامین نیازهای اساسی زندگی روزمره ضروری است، بلکه برای تحقق حقوق بشر دیگر مانند حق مسکن، حق حیات، و حق زندگی شایسته نیز حیاتی است. بنابراین، تضمین دسترسی همگانی به برق می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی افراد، کاهش نابرابری‌ها، و تقویت عدالت اجتماعی منجر شود. البته تفسیرهای عمومی دیگری نیز وجود دارد که می‌توانند به‌طور غیرمستقیم به حق دسترسی به برق ارتباط داشته باشند؛ به ویژه در زمینه‌های مرتبط با حق بهداشت، آموزش، و توسعه پایدار. در ادامه، تفسیرهای دیگری که به نحوی با حق دسترسی به برق مرتبط هستند، آورده شده‌اند.

۳.۴. تفسیر عمومی شماره ۱۵ پیرامون حق دسترسی به آب^۲

تفسیر عمومی شماره ۱۵ توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) در سال ۲۰۰۲

1. General comment No. 7: The right to adequate housing (art. 11 (1) of the Covenant): Forced evictions, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24)
2. General Comment No. 15: The right to water, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24)

صادر شد و به توضیح و تفسیر ماده ۱۱ و ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) می‌پردازد که به حق آب اشاره دارد. این تفسیر تاکید می‌کند که دسترسی به آب و بهداشت، خود به منابع انرژی مانند برق نیاز دارد.^۱

۴.۴. تفسیر عمومی شماره ۱۳ پیرامون حق بر آموزش^۲

تفسیر عمومی شماره ۱۳ توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) در سال ۱۹۹۹ صادر شد و به توضیح و تفسیر ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) می‌پردازد که به حق آموزش اشاره دارد. بر این اساس، دسترسی به برق برای فراهم آوردن محیط آموزشی مناسب، شامل روشنایی مناسب برای مطالعه و استفاده از فناوری‌های آموزشی، ضروری است.

۴.۵. تفسیر عمومی شماره ۱۴ پیرامون حق بهداشت^۳

تفسیر عمومی شماره ۱۴ توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) در سال ۲۰۰۰ صادر شد و به توضیح و تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) می‌پردازد که به حق بهداشت اشاره دارد. این تفسیر بر اهمیت عوامل تعیین‌کننده سلامت، از جمله دسترسی به آب سالم، بهداشت محیطی، و منابع انرژی تاکید دارد. روشن است که دسترسی به برق به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارائه خدمات بهداشتی و جلوگیری از بروز و انتشار بیماری‌ها، مهم است.

۵. نتیجه‌گیری

انرژی برق در جهان امروز به قدری اهمیت پیدا کرده است که در صورت عدم آن، زندگی برای بشر بسیار دشوار می‌شود و حتی در مواردی شاید نتواند به اهداف خود و کمال مطلوب خود در زندگی برسد. در عصر امروز، انسان در اکثر موارد برای آموختن، درمان، آشپزی، و دیگر فعالیت‌های خرد و کلان به برق نیاز دارد. اهمیت برق ایجاب می‌کند که حق دسترسی به آن را زیر ذره‌بین ماهیت‌شناسی قرار داد. به‌طور مثال اگر یک حکومت با اعمال خود مردمان زیر سلطه خود را از دسترسی به برق محروم کند، تعهدات

۱. در این تفسیر آمده است: «حق بشر بر آب برای داشتن یک زندگی با کرامت انسانی ضروری است».

2. General Comment No. 13 (Twenty-first session, 1999), The right to education (article 13 of the Covenant),

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24)

3. General comment No. 14: The right to the highest attainable standard of health, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24)

حقوق بشری در مقابل اتباع خود را نقض کرده است. در مرتبه‌ای پایین‌تر می‌توان استدلال کرد که حکومت در چنین شرایطی، یک حق مشتق را از مردمان خود گرفته است و حتی در مرحله ضعیف‌تر، صرفاً یک تعهد قراردادی را نقض کرده است. نظرات ارایه شده در این مقاله، موضوع دسترسی به برق را به عنوان یک حق، منطقی و موجه می‌سازد. هم‌چنین تعجب‌آور نیست که دولت‌ها برق‌رسانی و دسترسی به برق را یک نیاز اساسی برای شهروندان خود می‌دانند. در نظر گرفتن دسترسی به برق به عنوان یک حق قراردادی با اقدامات دولت‌ها در خصوص تسهیل رسیدگی به برق به‌خوبی تصدیق می‌شود؛ اما یکی از ایرادات آن این است که همه دولت‌ها نمی‌توانند دسترسی به برق را برای همه شهروندان خود فراهم کنند. هم‌چنین اگر دسترسی به برق به عنوان یک حق قراردادی شناخته شود و دسترسی به برق یک مشروط شهروندی شناخته شود، نمی‌توان برای فراهم کردن دسترسی به برق برای غیرشهروندان مذاکره کرد، در حالی که در عصر حاضر هر انسانی اعم از شهروند و غیرشهروند نیاز به برق دارد. در واقع، این تعریف قراردادی از حق دسترسی به برق، وظیفه دولت‌ها را محدود کرده و تاثیر منحصر به فرد برق بر زندگی انسان را نادیده می‌گیرد.

نظریه حق مشتق، استدلال منطقی‌تری ارایه می‌دهد که بر اساس آن، حتی غیرشهروندان نیز باید به برق دسترسی داشته باشند. اسناد اصلی حقوق بشر تاکید دارند که دسترسی به استانداردهای مادی مشخص، مانند مسکن، یک حق انسانی است. بر همین اساس، نظریه قابلیت‌ها نیز بر این باور است که دسترسی به برق می‌تواند به تقویت توانمندی‌های افراد برای اداره زندگی‌شان کمک کند. این نظریه، بنیانی نسبتاً قوی برای شناسایی دسترسی به برق به عنوان یک حق مشتق از سایر حقوق اساسی فراهم می‌کند. با این حال، این دیدگاه تاکید دارد که دسترسی به برق باید با توجه به شرایط محلی تعیین شود و نمی‌توان به‌طور مطلق ادعا کرد که همه انسان‌ها حق دسترسی به برق دارند.

نظریه سومی که به‌خوبی با مقتضیات عصر حاضر همخوانی دارد، نظریه‌ای است که دسترسی به برق را یک حق بشری محسوب می‌کند. انسان در جهان امروز با کمک برق می‌تواند توانایی‌ها و شناخت اجتماعی خود را گسترش دهد. زبان حقوق بشر باید به قدری گسترده شود که همین امکاناتی که انسان با کمک آن می‌تواند به کمال مطلوب خود برسد را پوشش دهد. از این رو، شناسایی دسترسی به برق به عنوان حق بشر، گستره حقوق را افزایش می‌دهد تا شامل وسایل مختلفی برای حمایت از انسان برای حرکت به زندگی ایده‌آل شود. هرچند گسترش این موضوع ممکن است در نگاه اول غیرضروری به نظر برسد، اما با یک مثال ساده می‌توان نشان داد که مقتضیات عصر حاضر این دیدگاه را رد می‌کند. حق بهداشت گاهی اوقات با استفاده از دستگاه‌های پیشرفته‌ای مانند دستگاه اشعه ایکس، موثرتر محقق می‌شود. هم‌چنین، در دوران همه‌گیری کرونا، اگر برق وجود نداشت، ادامه تحصیل از طریق آموزش‌های برخط امکان‌پذیر نبود.

موضوع دیگری که در این خصوص باید به آن توجه کرد این است که هر قطع برقی توسط دولت‌ها و نهادهای تحت سلطه آن، نقض حقوق بشری محسوب نمی‌شود، زیرا ممکن است در مواردی قطع برق برای مدتی کوتاه و اهدافی نظیر جلوگیری از یک ضرر و زیان جدی و یا بهبود وضع خدمات‌رسانی به مردم صورت گیرد. دسترسی به برق چنان در عصر حاضر برای انسان اهمیت پیدا کرده است که قطع آن می‌تواند بسیاری از حقوق اساسی بشر را تحت تاثیر منفی قرار دهد. حق حیات و حق بهداشت نمونه‌ای از این حقوق هستند که در صورت عدم دسترسی به برق، از تحقق این حقوق به‌راحتی نمی‌توان سخن گفت. همچنین دسترسی پایدار به برق و انرژی، نقش حیاتی در پیشبرد توسعه پایدار دارد و فقدان آن می‌تواند موجب کندی یا توقف این روند شود.

بر این مبنا، نظام حقوقی اتحادیه اروپا، از نظام‌های حقوقی‌ای است که به حق دسترسی به برق توجه ویژه‌ای داشته و بسیاری از کشورها که در زمینه حق دسترسی به برق توجه حقوقی کافی نداشته‌اند و این حق در آن‌جا مغفول مانده است، می‌توانند از این نظام نسبتاً مناسب الگوبرداری کنند. در اتحادیه اروپا، پرونده‌هایی وجود دارد که به نحوی به حق دسترسی به برق مرتبط هستند. یکی از این موارد، پرونده کمیسیون اروپا علیه جمهوری فدرال آلمان است. در مجموع، با نگاهی به قوانین داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، می‌توان دریافت که کشورهایی مانند فرانسه و منطقه خودمختار کاتالونیا توجه ویژه‌ای به این حق در قوانین خود داشته‌اند. این رویکرد قابل تحسین است و اهمیت دسترسی به برق را در سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای آن‌ها برجسته می‌کند. به‌علاوه گفته شد که بخش مهمی از حقوق بشر را تفسیرات عمومی تشکیل می‌دهند که بخشی از این تفاسیر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حق دسترسی به برق اشاره دارند. تفسیر عمومی شماره ۴ پیرامون حق مسکن و تفسیر عمومی شماره ۱۴ پیرامون حق بهداشت، از جمله این دست تفاسیر هستند.

به‌طور کلی، اسناد حقوقی و پژوهش‌های موجود در سراسر جهان نشان‌دهنده خلایی جدی در توجه کافی به مساله دسترسی به برق به عنوان یک حق بشری و دستاوردها و اثرات ناشی از آن است. امید می‌رود این پژوهش آغازی باشد برای گشودن افق‌های تازه در زمینه تحقیق و بررسی این حق، حداقل در سطح ملی، و تبیین اهمیت آن در زندگی انسان معاصر.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

۱. دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. دبیرنیا، علیرضا، وشجاعی، عبدالسعید (۱۴۰۰)، رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق اسلامی

۳. رضایی زاده، محمدجواد، و کاظمی، داود (۱۳۹۱)، *بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۳(۵)، ۲۳-۴۶.
۴. سلیمی ترکمانی، ح (۱۳۹۷)، *حق بر توسعه به عنوان یک حق بشری در چارچوب حقوق انرژی بین الملل*. مجله تحقیقات مطالعات حقوق انرژی، ۴(۲)، ۴۰۵-۴۲۶.
۵. سوادکوهی فر، ضحی (۱۳۹۱)، *دسترسی به انرژی و حقوق بشر، ماهنامه دادرسی*، شماره ۹۶، سال شانزدهم.

۲. خارجی

6. Adrian J Bradbrook and Judith G Gardam (2006). 'Placing the Access to Energy Services Within a Human Rights Framework', Human Rights Quarterly 389.
7. Banerjee, M (2024), 'Is it time to recognise electricity as a basic human right? ORF Online', <https://www.orfonline.org/expert-speak/is-it-time-to-recognise-electricity-as-a-basic-human-right>
8. Bradbrook A and Gardam J (2006). 'Placing Access to Energy Services with a Human Rights Framework' 28 Human Rights Quarterly.
9. Bretscher, F., Nacht, C., & Hirsiger, V (2024). 'Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland: European Court of Human Rights identifies shortfalls in Swiss climate mitigation measures and access to justice', Accessed in: <https://globallitigationnews.bakermckenzie.com/2024/04/17/verein-klimasenioren-schweiz-and-others-v-switzerland-european-court-of-human-rights-identifies-shortfalls-in-swiss-climate-mitigation-measures-and-access-to-justice/>, last visited on 19 November 2024.
10. Burmeister, Thomas (2021), 'European Court of Justice on Independence of German Energy Regulator', accessed in: <https://www.whitecase.com/insight-alert/european-court-justice-independence-german-energy-regulator>, last visited in 17 November 2024.
11. Cranmer, F (2017). The CJEU and the ECtHR: An idiot's guide. Law & Religion UK. Retrieved from <https://lawandreligionuk.com/2017/02/27/the-cjeu-and-the-ecthr-an-idiot-s-guide/>
12. Dabirnia, A., & Shajai, A. (2021). The relationship between human rights and citizenship rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Law Review*, 18(70), 143-164 (In Persian).
13. Daneshpajoo, Mostafa (2013). An introduction to law (In Persian).
14. Donnelly, Jack (2013). 'Universal Human Rights in Theory and Practice'.
15. European Court of Justice (2021, September 2). *European Commission v Federal Republic of Germany* (Case C-718/18). Judgment of the Court (Fourth Chamber). Accessed in: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A62018CJ0718>
16. General Comment No. 13 (Twenty-first session, 1999), The right to education (article 13 of the Covenant), https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24).
17. General comment No. 14: The right to the highest attainable standard of health, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&

- TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24).
18. General Comment No. 15: The right to water, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24).
19. General comment No. 4: The right to adequate housing (art. 11 (1) of the Covenant), https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24).
20. General comment No. 7: The right to adequate housing (art. 11 (1) of the Covenant): Forced evictions, https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/TreatyBodyExternal/TBSearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11. (21 Jun. 24).
21. Hesselman M (2019, forthcoming). 'Energy poverty and household access to electricity services in international, regional and national law' in: M. Roggenkamp et al (eds), Edward Elgar Encyclopedia of Energy and Environmental Law, Cheltenham: Edward Elgar Publishing via: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3398588.
22. Hesselman, Marlies, Varo, Anaïs & Laakso, Senja (2019). 'The Right to Energy in the European Union'.
23. Hösli, A., & Rehmman, M (2024). 'Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland: The European Court of Human Rights' Answer to Climate Change'. Climate Law, 14(3-4), 263-284. <https://doi.org/10.1163/18786561-bja10055>
24. <http://www.senat.fr/dossier-legislatif/ppl18-260.html>, last visited on 18 November 2024.
25. <https://sdgs.un.org/goals/goal7>, last visited on 18 November 2024.
26. International Committee of the Red Cross. (2005). *Customary International Humanitarian Law: Volume II: Practice. * Cambridge University Press.
27. International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies. (2013). *World Disasters Report 2013: Focus on Technology and the Future of Humanitarian Action. * Geneva: IFRC.
28. Jaakko Kuosmanen (2015). 'Repackaging Human Rights: On the Justification and the Function of the Right to Development', Journal of Global Ethics 303.
29. Jenny Sin-hang Ngai (2012). 'Energy as a Human Right in Armed Conflict: A question of Universal Need, Survival, and Human Dignity', Brooklyn Journal of International Law 37, no. 2.
30. LLEI 24/2015, del 29 de juliol, de mesures urgents per an afrontar l'emergència en l'àmbit de l'habitatge i la pobresa energètica. ACCESSED IN: https://portaljuridic.gencat.cat/ca/pjur_ocults/pjur_resultats_fitxa?action=fitxa&documentId=700006
31. Manuel Salvador Acuña Zepeda and Jesús Emanuel Díaz Zepeda (2017). 'Energy and Human Rights: A Perspective from Mexico', Journal of Energy & Natural Resources Law 35, no. 4.
32. Nussbaum, Martha C (2011). 'Creating Capabilities: The Human Development Approach', Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press.
33. Olasupo Owoye's (2016). 'Access to Energy in Sub-Saharan Africa: A Human Rights Approach to the Climate Change Benefits of Energy Access' Environmental Law Review 284.
34. Rawls, John (1971). 'A Theory of Justice', Oxford: Oxford University Press.

35. Rezai Zadeh, M. J., & Kazemi, D (2012). Re-examining the "Public Services" Theory and Its Governing Principles in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Contemporary Comparative Law Studies*, 3(5), 23–46 (In Persian).
36. Rochlin, Cliff (2002). 'Is Electricity a Right? *The Electricity*', Journal 31.
37. Salimi Turkamani, H. (2018). Right to Development as a Human Right in the Context of International Energy Law. *Journal Of Researches Energy Law Studies*, 4(2), 405-426. doi: 10.22059/jrels.2019.259813.210 (In Persian).
38. Savadkouhiifar, Z. (2012). Access to energy and human rights. *Dadrasi Monthly*, 16(96) (In Persian).
39. Shelley, L. I. (2013). 'Electrifying Human Rights: Assessing the Impacts of Electricity Access'. *Northwestern Journal of International Human Rights*, 11(2), 147–181.
40. Shue, Henry (1980). 'Basic Rights: Subsistence, Affluence and U.S. Foreign policy', Princeton NJ: Princeton University Press.
41. Sustainable Development Goal 7 (SDG7), <https://www.seforall.org/our-work/sustainable-development-goal-7-sdg7>, last visited on 18 November 2024.
42. The EU clean energy package (2020 ed.), Accessed in: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/7fa59d21-c7ff-11eb-a925-01aa75ed71a1>, last visited on 19 November 2024.
43. The European Convention on Human Rights
44. The Immigration (European Economic Area) Regulations 2016, Accessed in: <https://www.legislation.gov.uk/uksi/2016/1052>, last visited on 20 November 2024.
45. The oboloo Team(2022), 'What are contractual rights?', Accessed in: <https://oboloo.com/what-are-contractual-rights-definition/>
46. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR)
47. TRACKING SDG 7(THE ENERGY PROGRESS REPORT 2024), Accessed in: https://www.irena.org/-/media/Files/IRENA/Agency/Publication/2024/Jun/IRENA_Tracking_SDG7_energy_progress_2024.pdf
48. Tully S (2006). 'Access to electricity as a human right' ,24 *Netherlands Quarterly of Human Rights* 557-587.
49. Tully S (2006). 'The Contribution of Human Rights to Universal Energy Access', *Northwestern Journal of International Rights* 518.
50. Tully S (2008). 'The human right to access clean energy' ,3 *Journal of Green Building*.
51. United Nations General Assembly (2012), *The future we want* (A/RES/66/288). United Nations. <https://undocs.org/A/RES/66/288>
52. What is the European Court of Justice and why does it matter?, accessed in: <https://lawsociety.org.uk/topics/brexit/what-is-the-european-court-of-justice-and-why-does-it-matter>, last visited on 17 November 2024.
53. World Health Organization. (2009). *The Right to Health: Fact Sheet No. 323. * World Health Organization.